



پیامدهای این رویکرد زورگویانه خود درامان بماند. از این رو رئیسی در تلافی روندی که آمریکا در پیش گرفته بود، از یک سو بخش مهمی از تعهدات هسته‌ای جمهوری اسلامی را در چارچوب «قانون راهبردی برای لغو تحریم‌ها و صیانت از منافع ملت ایران» متوقف کرد و از سوی دیگر مسیر دیپلماسی را با دستور کار مشخصی که به دیپلمات‌هایش داده بود، ادامه داد. پیدا بود خواسته لغو همه تحریم‌های برج‌جایی و همه تحریم‌های فرابرج‌جایی و گرفتن تضمین‌های قابل اتکا از طرف‌های غربی بویژه آمریکا اصلی‌ترین خواسته ایران باشد؛ خواسته‌ای که هیأت دیپلماتیک کشورمان آن را در یک طرح عملیاتی و با سازگاری مشخص روی میز وین گذاشته بود.

آغاز جنگ روانی

حضور هوشمندانه هیأت ایرانی که به وضوح مشخص کرده بود برای رفع مؤثر تحریم‌ها و حراست از هرگونه توافق احتمالی چاره‌جویی کرده است، برای طرف‌های اروپایی و آمریکایی باری از غافلگیری داشت. همین کافی بود تا واشنگتن در پیچ مهم تصمیم‌گیری که بهار سال گذشته با آن روبه‌رو شد، از گرفتن هر تصمیمی خودداری کند و مذاکرات را به بن‌بست بکشاند. این در حالی بود که ایران به آخرین پیشنهادات تبادل شده با واسطه‌گری «جوزپ بورل»، مسئول سیاست خارجی اتحادیه اروپا پاسخ روشنی داده و در عین حال با رضایت دیگر کشورهای عضو مذاکرات روبه‌رو شده بود. چنین بود که ایالات متحده در مواجهه با ناکامی‌های پیش آمده به سمت و سوی عملیات روانی علیه ایران روی آورد. در توسل به این بازی روانی بود که سمت و سوی تمرکز غرب معطوف وقایعی شد که جریان‌های تجزیه‌طلب و اغتشاشگر در ایران در پی درگذشت مهسا امینی در شهریورماه گذشته کلید زدند. در پی آن، تعلل طولانی مدت ایالات متحده برای تصمیم‌گیری در زمین مذاکرات رفع تحریم‌ها به جای آنکه متوجه رویکرد ادعایی این کشور یعنی دیپلماسی باشد، بر یک جنگ روانی متمرکز شد و در ۳ پرده به نمایش درآمد. این نمایش از یک سو در تلاش‌های برنامه‌ریزی شده‌ای به جریان افتاد که با هدف اثرگذاری بر رفتار مردم ایران و منحرف کردن اذهان آنها از واقعیات صحنه بین‌الملل و آثار سیاست تحریم‌های ظالمانه آمریکا طراحی شده بود. تلاش برای شریک‌سازی ایران در جنگ اوکراین و گشودن پرونده‌های جعلی در آژانس بین‌المللی انرژی اتمی علیه فعالیت‌های صلح‌آمیز هسته‌ای ایران دومین و سومین وجه از این سناریوی جنگ روانی به شمار می‌آمد. در این راستا اصلی‌ترین چالش اما همانی بود که سه کشور اروپایی طرف مذاکره در کنار آمریکا سعی بسیار در ندیدنش داشتند؛ یعنی رفع همه تحریم‌های برج‌جایی و فرابرج‌جایی و موانعی که از انتفاع اقتصادی ایران با همه کشورهای ممانعت به عمل می‌آورد.

تلافی جویی اثرگذار

در این میان مهم نبود تروئیکای اروپایی چگونه کوشیدند با قرار گرفتن در کنار آمریکا برای به اجرا درآوردن جنگ روانی، انفعال و ناکامی خود در پیگیری اقدامات موازنه‌ای در مقابل تحریم‌های آمریکا را از حافظه مردم ایران پاک کنند، بلکه مهم آن بود که جمهوری اسلامی این بار قصد نداشت زیر بار پذیرش تعهداتی برود که مابه‌ازای آن فقط یک امضای بی‌اثر روی کاغذ رئیس‌جمهور آمریکا باشد و از سوی دیگر عمر توافق را به اراده دولت‌های حاکم در آمریکا گره بزند. اما همه اینها در حالی بود که گزارش‌های متعددی که خبرگزاری‌های غربی وابسته به همین کشورها در ماه‌های اخیر درباره روند فروش نفت ایران منتشر می‌کردند،

رئیس‌ی در مدت گذشت ۲ سال از عمر دولتش گرچه برای برچیدن حصار تحریم‌ها گام‌های جدی برداشت با این حال کوشید این تصور را که همه مشکلات اقتصادی کشور در گروی رفع تحریم‌ها و احیای فرایند برجام است، از اذهان عمومی بزداید و از تغییرات برآمده از تغییر رویکرد ایران در سیاست خارجی پشتوانه‌ای قابل اتکا در عرصه بین‌المللی بسازد.

ناکامی و شکست آمریکا

سناریوی جنگ روانی نه‌تنها ایالات متحده و همپیمانان اروپایی‌اش را به آنچه از قبال فشار بر ایران جست‌وجو می‌کردند، نرساند که از سوی دیگر معلوم شد ترکش‌های سیاست فشار حداکثری به جای آنکه ایران را نشان رود، طرف‌های مقابل را هدف قرار داده است؛ از یک سو درک مشترک ایران و قدرت‌های بزرگ آسیا همچون روسیه و چین از خطرات دامنه‌دار رویکرد یکجانبه‌گرایانه آمریکا، این کشورها را به سمت و سوی تقویت همکاری‌های همه‌جانبه کشاند. مناسباتی که بویژه پس از آغاز به کار دولت رئیسی در عرصه مناسبات سیاسی و اقتصادی دوجانبه و چندجانبه روند رو به پیشرفتی تجربه کرده و باعث شد چنین سطحی از همکاری به دیگر حوزه‌های دفاعی، امنیتی و سیاسی تسری یابد. از سوی دیگر توافق ایران و عربستان برای ازسرگیری رابطه پس از ۷ سال بن‌بست به آغاز فصل جدیدی از مناسبات ایرانی-عربی انجامید و امکان‌های جدیدی را برای دیپلماسی منطقه‌ای جمهوری اسلامی گشود. این چنین سیاست خارجی ایران در توسعه رابطه با قدرت‌های بزرگ خاورمیانه و آسیا مایه نگرانی آمریکا شد. رئیسی در مدت ۲ سال از عمر دولتش گرچه برای برچیدن حصار تحریم‌ها گام‌های جدی برداشت با این حال کوشید این تصور را که همه مشکلات اقتصادی کشور در گروی رفع تحریم‌ها و احیای فرایند برجام است، از اذهان عمومی بزداید و از تغییرات برآمده از تغییر رویکرد ایران در سیاست خارجی پشتوانه‌ای قابل اتکا در عرصه بین‌المللی بسازد.

به این ترتیب تیم هسته‌ای دولت رئیسی تا اینجای کار مسیر صعب و سخت مذاکره با قدرت‌های جهانی را در سایه تدبیر رهبری نظام و به پشتوانه انسجام داخلی پیموده است. در این مدت حمایت صریح و بی‌وقفه بالاترین مرجع نظام از تیم مذاکره‌کننده راه را بر هرگونه تردیدافکنی نسبت به رفتار و اهداف این هیأت دیپلماتیک بسته و روشن شده که در سایه وفای نهادهای نظام می‌توان سیاست خارجی را که پیش از این گمان می‌رفت میدان زورآزمایی و تنش است، به منبع اقتدار و تفاهم تبدیل کرد. از این رو به نظر می‌رسد آمریکا در مواجهه با ایران که پیشرفت خیره‌کننده‌ای در صنعت هسته‌ای خود تجربه کرده در کنار پیگیری موفق سیاست مقاومت در برابر تحریم‌ها چاره‌ای جز جبران مافات خروج یکجانبه از برجام و دستیابی به توافق نداشته باشد؛ توافقی که بی‌تردید نتیجه ملموس آن در زمین منافع ملی پدیدار خواهد شد. زمان زیادی باقی نمانده تا مشخص شود آیا کاخ سفید آمادگی پذیرش تعهدات توافق مورد نظر تهران را دارد یا نه.